

سلام کودکانه

نانوا کوچولو

می‌خواستیم نان بپزیم. مامان گفت: «خوب حالا بگو ببینم چه شکلی باید درست کنیم؟» گفتم: «اول باید خمیر درست کنیم، بعد حسابی مشت و مالش بدیم بعد یک ورقه‌ی نازک از خمیر درست کنیم و توی تابه بذاریم و منتظر بمونیم». مامان گفت: «آفرین. درسته. اما قبل از همه‌ی این کارها، اول اول باید چه کار کنیم؟» کمی فکر کردم و گفتم: «شستن خوب دست‌ها با آب و صابون». مامان گفت: «آفرین آقای نانوا. شروع کنیم».

ارسال نقاشی، قصه‌خاطر، عکس و...

۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ ۲۰۰۰۹۹۹



شهر قصه

دالی بازی

مدتی بود که نی‌نی کوچولو به جمع خانواده باران اضافه شده بود. نی‌نی کوچولو خیلی شیرین و دوست داشتنی بود اما گاهی با گریه کردن و نق زدن همه را کلافه می‌کرد. آن روز هم، همین که مامان نمازش را شروع کرد، نی‌نی شروع به نق زدن و بهانه گرفتن کرد. باران رفت و کنار نی‌نی نشست. آرام او را تکان داد اما نی‌نی ساکت نشد. صدایش کرد و با او حرف زد اما نی‌نی ساکت نشد. برایش لالایی خواند اما نی‌نی باز هم ساکت نشد. جغجغه را تکان داد، این بار نی‌نی چند لحظه ساکت شد. نی‌نی داشت به چشم‌های باران نگاه می‌کرد. باران احساس کرد همین الان است که دوباره بهانه گرفتن را شروع کند. باران کلافه شده بود. با خودش گفت: «من که هر کاری بلد بودم، کردم. پس چرا هنوزم بهانه گیری می‌کنه؟» باران که حوصله شنیدن صدای نی‌نی را

شعر

فانوس کفشدوزک

یک کفشدوزک
در باغ زیبا
امروز گم کرد
راه خودش را

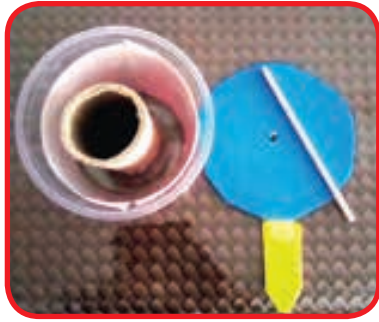
شب آمد او شد
غمگین و بی تاب
فانوس او شد
یک کرم شب تاب

اورفت خوشحال
تا خانه اش زود
پاداش شب تاب
یک کفش نو بود

شاعر: زهرا عراقی



تصویر سازی ها: سعید مرادی



سپس کلمات جدیدی بسازد که حرف اول آن، یکی از حروف آن کلمه باشد. به عنوان مثال برای کلمه روزنامه می‌شود این کلمات را گفت: ریاضی، واکس، زنبور، نان، آب، موز و هیزم. بازیکنی که نتواند با یکی از حروف، کلمه بسازد از بازی کنار می‌رود و بازی ادامه پیدا می‌کند تا برنده مشخص شود.

غزاله صفدری

میای بازی

سریع کلمه بساز

چی لازم داریم؟

یک ظرف خالی ماست، یک چوب بستنی، کاغذ رنگی، یک رول دستمال کاغذی و یک مقوای محکم به شکل دایره

چطوری درست کنیم؟

ابتدا رول دستمال را به ته ظرف محکم بچسبانید. مقوای برش زده را روی سر رول بگذارید. وسط مقوا را سوراخ کنید و چوب بستنی را تا نیمه در آن فرو کنید. حالا روی بدنه ظرف چند تکه کاغذ با کمی فاصله از هم بچسبانید و روی هر کدام یک کلمه بنویسید. سپس یک فلش از لبه مقوا، مانند شکل آویزان کنید.

چه شکلی بازی کنیم؟

بازیکنان باید به نوبت لبه مقوا را بچرخانند. فلش روی هر کلمه‌ای ایستاد، بازیکن باید به حروف کلمه نگاه کند و

شما فرستادید

قاشقی که می‌خواست چاقو باشه!

در یک آشپزخانه شلوغ، قاشقی بود که خیلی دوست داشت چاقو باشد برای همین رفت پیش چکش و به چکش گفت: «میشه با سر محکمت به من بزنی تا چاقو بشم؟» چکش گفت: «من که نمی‌تونم تورو چاقو کنم. کار من ضربه زدن روی میخه». قاشق با ناراحتی به راهش ادامه داد تا به پیچ گوشتی رسید و گفت: «میشه منو تبدیل به چاقو کنی؟» پیچ گوشتی گفت: «من برای پیچاندن ساخته شدم».

قاشق راهش را ادامه داد تا به چاقو رسید. قاشق تا چاقو را دید، گفت: «کاش منم مثل تو چاقو بودم» چاقو گفت: «تو نمی‌تونی چاقو باشی. هر کسی یک فایده‌ای داره. فکر کن اگه همه قاشق‌ها چاقو بودند و قاشقی وجود نداشت، آدم‌ها چه شکلی غذا می‌خوردند؟» قاشق به فکر فرو رفت.

نقاشی و داستان ارسالی

از دوست خوب «فرره»

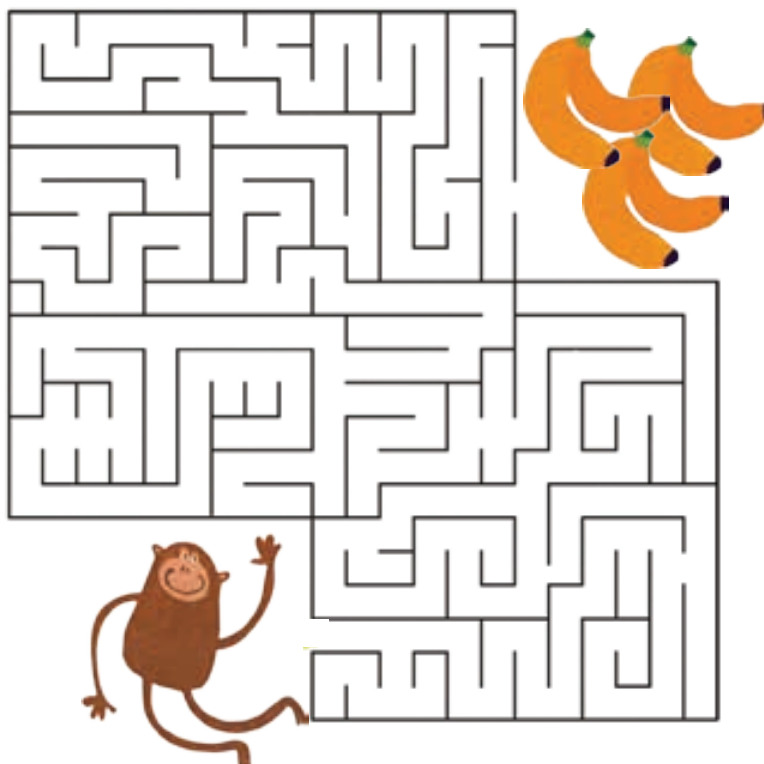
عارفه وفادار - کلاس چهارم



سرگرمی

مارپیچ

دوستان خوبم به این میمون کوچولو کمک کنید تا زودتر به موزه‌های خوشمزه برسد.



آثار شما

دنیا ی نقاشی

دوستان گلم شعرهایی که در کنار نقاشی‌های شماست ویژه نقاشی‌های قشنگ شما سروده شده. امیدواریم که خوشتون بیاد. اگه شما هم دوست دارین ویژه نقاشی‌های قشنگتون شعر گفته بشه لطفا نقاشی‌هاتون رو برای ماتو تلگرام بفرستین.

رادمهر حسنی - ۵/۵ ساله

من و چترم هستیم
هر دو، شاد و خندان
رفته ایم ما با هم
باز زیر باران



النا اصلی - ۹ ساله

یه گربه‌ی فشانورد
نشسته خوشحال روی ماه
می‌بینه که روی زمین
کوه شده اندازه‌ی کاه

